

- (۱۶) الف: چنانکه بنده از آن نیکوتر ندیده بود
 ب: چنانکه بنده از آن نیکوتر ندیده بود
 ج: که نیکوتر از آن ندیده بودم
- (۱۷) الف: و از جهت نیکوئی هر زمان در آن انگشتی نگاه می‌کردم
 ب: و از جهت نیکوئی هر زمان در آن انگشتی نگاه می‌کردم
 ج: از غایت خوبی آن نگین هر زمان در انگشت وی نگاه می‌کردم
- (۱۸) الف: چون ملك دید که من در انگشتی بسیار می‌نگرم
 ب: چون ملك دید که من در انگشتی بسیار می‌نگرم
 ج: چون ملك توجه مرا به آن نگین دریافت
- (۱۹) الف: انگشتی از انگشت بیرون کرد و پیش من انداخت
 ب: انگشتی از انگشت بیرون کرد و پیش من انداخت
 ج: از انگشت بیرون کرد و پیش من نهاد
- (۲۰) الف: من خدمت کردم، بوسی بر انگشتی دادم و پیش ملك بنهادم
 ب: من خدمت کردم و بوسی بر انگشتی دادم و پیش ملك باز نهادم
 ج: من بیوسیدم و پیش ملك نهادم
- (۲۱) الف: ملك برداشت و پیش من نهاد
 ب: ملك برداشت و پیش من نهاد
 ج: بازش پیش من نهاد
- (۲۲) الف: و گفت انگشتی که از انگشت من بیرون آید بر سبیل هبه دیگر
 در انگشت من نرود
 ب: و گفت انگشتی که از انگشت من بیرون آمد بر سبیل هبه و
 عطا باز در انگشت من نیاید
 ج: و گفت انگشتری که به رسم بخشش از انگشتم بیرون آمده
 باز به انگشتم نرود
- (۲۳) الف: من گفتم این انگشتی هم انگشت ملك را شاید

- ب: من گفتم این انگشتری ملك را شاید
 ج: من گفتم این انگشترین هم انگشت ملك را شاید
 (۲۴) الف: و پیش ملك باز نهادم و ملك پیش بنده نهاد
 ب: و پیش ملك باز نهادم و ملك باز پیش بنده نهاد
 ج: دیگر بار پیشم انداخت
 (۲۵) الف: و بنده از جهت آن که انگشتری بس نیکو و گرانمایه بود
 ب: و از آن جهت که انگشتری بس نیکو و گرانمایه بود
 ج: چون یافت بس گرانمایه بود
 (۲۶) الف: گفتم این در خرمی همی گوید، نباید که در هوشیاری پشیمان
 شود و بردش رنج آید
 ب: گفتم این در خرمی می فرماید، نباید که در هشیاری پشیمان شود
 و بردش رنج آید
 ج: گفتم شاید که در هشیاری پشیمان شود و خاطرش پریشان گردد
 (۲۷) الف: انگشتری را باز پیش ملك نهادم
 ب: انگشتری باز پیش ملك نهادم
 ج: باز پیش او نهادم
 (۲۸) الف: ملك انگشتری را برداشت و در دریا انداخت
 ب: ملك انگشتری را برداشت و در دریا انداخت
 ج: ملك برداشت و در دریا انداخت
 (۲۹) الف: من گفتم آه، درینجا این انگشتری
 ب: من گفتم: آه، درینجا این انگشتری
 ج: گفتم درینجا از انگشترینی بدان خوبی
 (۳۰) الف: که اگر دانستی که ملك بحقیقت در انگشت نخواهد برد و در
 دریا خواهد انداخت باری بپذیرفتی
 ب: که اگر دانستی که ملك بحقیقت در انگشت نخواهد برد و در

- دریا خواهد انداخت باری پذیرفتی
 ج: اگر بدانستم که ملك در انگشت نخواهد کرد و به دریا خواهد
 افکند می‌پذیرفتم
- (۳۱) الف: ملك گفت من چندکرت پیش تو نهادم و چون دیدم بسیار می‌نگری
 از انگشت بیرون کردم و به تو بخشیدم
 ب: ملك گفت من چندکرت پیش تو نهادم و چون دیدم در آن فراوان
 می‌نگری از انگشت بیرون کردم و به تو بخشیدم
 ج: ملك گفت چندکرت پیش تو کشیدم. قبول نکردی
- (۳۲) الف: اگر تو به نزدیک من عزیزتر و نیکوتر از آن بودی ترا بخشیدمی
 ب: به چشم من اگر تو از آن نیکوتر بودی ترا بخشیدمی
 ج: ...
- (۳۳) الف: ولیکن چاره‌ای بکنم مگر باز تو رسانمش
 ب: ولیکن چاره‌ای بکنم مگر باز به تو رسانم
 ج: اما چاره‌ای بکنم که او را به دست تو رسانم
- (۳۴) الف: ملاح را فرمود که لنگرها فروهل و کشتی بر جای بدار
 ب: ملاح را فرمود که لنگرها فروهل و کشتی بر جای بدار
 ج: ملاحان را فرمود تا لنگر انداخته کشتیها را نگاه داشتند
- (۳۵) الف: غلام در رسید و آن صندوقچه بیاورد
 ب: غلام در رسید و آن صندوقچه بیاورد
 ج: غلام رفت و صندوق را آورد
- (۳۶) الف: سر صندوقچه بر انداخت
 ب: سر صندوقچه برداشت
 ج: قفل صندوق بگشاد
- (۳۷) الف: زمانی بود. بر سر آب آمد
 ب: يك ساعت بود. بر سر آب آمد

ج: بعد از زمانی بر سر آمد
 (۳۸) الف: سلیمان برگرفت و بدید
 ب: سلیمان برداشت و بدید
 ج: سلیمان... برداشت و بدید

از مقایسه سه متن فوق می‌توان دریافت که زبان دو متن الف و ب (یعنی تاریخ برامکه و سیرالملوک) در بیشتر موارد با هم یکسان است و هیچ شك نیست که دومی عبارات اولی را به عین نقل کرده است. و چون زمان تألیف این دو متن به هم نزدیک است هنوز مختصات صرفی و نحوی زبان تا آن حد تحول نیافته بوده تا نویسندۀ متن دوم از تغییر عبارت ناگزیر باشد. با این حال در چند مورد مقدمات تغییر و تحول را می‌توان دریافت. از آن جمله در عبارت شماره ۵ ترکیب «یکجا بودیمی» به «بهم بودیم» تبدیل شده است؛ در عبارت شماره ۲۶ به جای «همی گوید» صورت «می‌فرماید» آمده؛ در عبارت شماره ۳۳ متن الف «باز تو رسانمش» کلمه «باز» در معنی «بسوی» به کار رفته و این معنی که کهنه بوده و شاید متروک شمرده می‌شده در متن ب به صورت «باز به تو رسانم» تغییر یافته است؛ در عبارت ۳۶ فعل «بر انداختن» به «برداشتن» تبدیل شده، و در عبارت ۳۸ به جای فعل «برگرفتن» فعل «برداشتن» به کار رفته است.

اما در متن ج «روضات الجنات تفاوت با دو متن دیگر فراوان و آشکار است. این مؤلف که یکی از دو متن الف و ب را در پیش داشته چون شیوه بیان آن را نسبت به طرز معمول زمان خود بسیار کهنه و نامأنوس می‌دیده ناچار در آن تصرف کلی کرده تا به زبان جاری زمان خود نزدیک کند. به این طریق که گاهی عبارتهای کهنه و منسوخ را یکسره از قلم انداخته (عبارت شماره ۳۲) و گاهی صیغه‌های متروک فعل را به صیغه‌های متداول زمان خود تبدیل کرده (مانند تبدیل صیغه‌های شرطی «اگر دانستم... پذیرفتمی» به «اگر بدانستم... می‌پذیرفتم» در عبارت شماره ۳۵)، گاهی سیاق عبارت را برای پرهیز از کهنگی و غرابت تغییر داده (شماره ۵)

و در مورد دیگر کلمات و فعلهائی را که در زمان او متروک بوده به کلمات دیگر بدل کرده (مانند تبدیل «فرود آوردن» به «منزل دادن» در عبارت شماره ۴) و نکته‌های متعدد دیگر که خواننده خود از دقت و مقایسه سه متن مزبور درمی‌یابد.

(۳۵) اما این مشکلات چندان نیست که پژوهنده را نومید کند و از ادامه کار باز دارد، زیرا که با روش درست و مطالعه کامل هر متن می‌توان نتیجه مطلوب را به دست آورد:

(۱،۳۵) در مرحله نخست باید کوشید که از هر متن نسخه معتبرتر و نزدیک‌تر به زمان تألیف، و اگر ممکن باشد به خط کاتبی که محل زندگیش با مؤلف یکی یا بسیار نزدیک باشد ملاک و مأخذ تحقیق قرار گیرد. این کار چنانکه اشاره کردیم در بیشتر موارد ممکن یا آسان نیست. اما در هر حال از آن غافل نباید بود. (۲،۳۵) آنجا که احتمال تصرف کاتب می‌رود، این نکته مسلم است که همیشه این تصرف موجب تبدیل صورت کهن‌تر به صورت تازه‌تر است و عکس آن درست نیست. اما بسیار نادر دیده می‌شود که کاتب توانسته باشد این تصرف و تبدیل را در هر يك از نکات صرفی و نحوی در همه موارد بی‌استثنا اعمال کند. بنابراین هرگاه در متن واحد يك نکته دستوری یا لغوی چند بار به صورت جدیدتر و چند بار به صورت کهن‌تر دیده شود می‌توان حکم کرد که صورت جدید از تصرف کاتب و صورت کهن از اصل تألیف است. این که کدام وجه کهنه‌تر و کدام تازه‌تر است از مقایسه متون هم‌زمان دریافته می‌شود.

(۳،۳۵) در موردی که مؤلف عباراتی یا صفحانی را از متنی کهن‌تر به عین عبارت نقل کرده است نیز دو راه می‌توان پیش گرفت: اول آنکه با کاوش و جستجو در کتب قدیم‌تر اصل و مأخذ اقتباس را به دست بیاوریم و به این طریق دریابیم که عبارات مورد استناد نمونه زبان رایج زمان مؤلف است یا متعلق به زمانی قدیمتر است که در متن اصلی وجود داشته و عیناً نقل شده است. دوم آنکه با مطالعه دقیق سراسر متن و گرد آوردن مثالهای متعدد برای هر نکته، هر جا که طرز تعبیر و شیوه استعمال یکنواخت و یکسان باشد سبب اختلاف را جستجو کنیم، به این

طریق که، از روی متون همزمان، شیوه متداول عصر مؤلف را پیدا کنیم و در مواردی که به عبارتی کهنه‌تر برمی‌خوریم آن را نتیجه نقل و اقتباس از نوشته‌های قدیمتر بشماریم.

برای مثال از همان کتاب آثارالوزراء (اواخر قرن نهم) که چنانکه دیدیم بعضی مطالب کتاب نسائم‌الاسعاد را به عین عبارت نقل کرده و مختصات دستوری آن دوره را در عبارات منقول نگه داشته، عباراتی می‌آوریم که چون مربوط به زمان خود نویسنده است و نقل از کتاب قدیمتری نیست، درست در همان مورد مذکور در پیش، شیوه جدیدتر را به کار برده است:

«هر روز دلائل رشادت و دیانت آن وزیر با تدیسر ظاهر بود... و عنایت سلطان نیز هرروزه در باره او استوار و در زیادت بود، و مدت بیست سال در آن مهمات به خوبترین وجه اشتغال داشت. و جمیع مردم از او شاکر و راضی بودند.»^{۳۷} که اگر به شیوه قدیمتر و متناسب با عبارتهای مأخوذ از آثار متقدمان بود بایستی فعلهای این جمله‌ها به صورت «بودی، داشتی، بودندی» نوشته شده باشد.

(۳۶) نخستین تألیف مفصلی که در باره موضوع بحث ما به زبان فارسی نوشته شده کتاب سبک‌شناسی اثر مرحوم ملک‌الشعراى بهار است که در سه جلد در حدود سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۵ انتشار یافت. در این کتاب مسائل و نکات مربوط به سبک خاص بعضی از نویسندگان، با نکته‌های مربوط به تطور و تکامل زبان در طی تاریخ، در آمیخته، و در همه کتاب از يك روش واحد علمی پیروی نشده است. با این همه شامل بسیاری از مطالب درست و دقیق است که پیش از بهار در زبان فارسی گفته و نوشته نشده بود. اما از آن زمان تاکنون مقالات و یادداشتهای فراوان از طرف ادیبان و دانشمندان ایران تألیف یافته و پیشرفت بسیار در این رشته حاصل شده است. در هر حال البته فضل تقدم با مرحوم بهار است.

بسیاری از ادیبان ایران که در چهل سال اخیر به تصحیح و طبع انتقادی نسخه‌های خطی آثار گذشتگان پرداخته‌اند غالباً در مقدمه یا حاشیه یا ذیل آنها

به اختصار یا تفصیل خصوصیات صرفی و نحوی و لغوی متن را یادداشت کرده‌اند که مورد استفاده پژوهندگان قرار می‌گیرد. ثبت فهرست این‌گونه یادداشتها کار ما را به درازا خواهد کشید. مقالات متعدد و غالباً بسیار سودمند نیز از نویسندگان ایران در مجله‌های علمی و ادبی این دوران انتشار یافته است که به جای خود از هر کدام که مورد استفاده ما واقع شود نام خواهیم برد.

مقالات و تحقیقات دانشمندان غربی درباره تحول تاریخی فارسی دری فراوان نیست. چند مقاله از آقای تلگدی^{۳۸} در مجله شرق‌شناسی مجارستان در این باب منتشر شده است. و شاید مقالات و یادداشت‌های دیگری در مجله‌های خاورشناسی و زبان‌شناسی کشورهای دیگر انتشار یافته باشد که من ندیده‌ام.

اما تحقیق عمیق و مبسوطی که درباره قسمتی از این موضوع انجام گرفته کار آقای ژیلبر لازار استاد دانشکده ادبیات پاریس و رئیس انستیتوی ایران‌شناسی است که در سال ۱۹۶۳ با عنوان زبان قدیمترین آثار نثر فارسی به زبان فرانسوی منتشر شد.^{۳۹}

در این کتاب نکته‌های مربوط به خصوصیات صرفی و نحوی متون فارسی تا پایان دوره اول که ما آن را دوره «رشد و تکوین» خواندیم با دقتی عالمانه ثبت شده و مورد بحث قرار گرفته است.

اما آنچه در تلو کتاب حاضر به نظر خوانندگان می‌رسد نتیجه بیست و چند سال کار مداوم نگارنده است که در ضمن تدریس «تاریخ زبان فارسی» در دانشکده ادبیات تهران انجام داده‌ام.

روش کار چنین بوده است که نخست فهرستی از نکته‌های مورد نظر تهیه کردم و هر سال در مجلس درس برای دانشجویان به تفصیل و توضیح آنها پرداختم و سپس يك یا چند نکته را برای کار عملی ایشان انتخاب کردم و به هر دانشجویی

38) Telegdi., S., (*Acta Orient. Hung.*)

39) Lazard., G., *La Langue des plus anciens monuments de la prose persane*, Paris, 1963.

یکی از متون معتبر را دادم تا آن نکته‌ها را در آن کتاب مطالعه کند و شواهد و امثال را فراهم بیاورد و تا آنجا که می‌تواند درباره شیوه استعمال نویسنده کتاب در مورد آن يك يا چند نکته اظهار نظر کند. البته نتیجه کار همه ایشان پسندیده و سودمند بود. اما به این طریق مواد فراوان فراهم آمد که برای تدوین این کتاب مورد استفاده قرار گرفت.

از سال ۱۳۴۳ که «بنیاد فرهنگ ایران» تأسیس یافت شعبه خاصی در این دستگاه ایجاد شد که به سرپرستی نگارنده کار تحقیق و تدوین یادداشتهای مربوط به این رشته را ادامه داد و همین امر موجب آمد که این کار عظیم و بسی پایان سرانجامی بیابد و فرصت و امکان تألیف و تدوین یادداشتهائی را که شماره آنها از چند صد هزار درمی‌گذرد برای مؤلف این کتاب فراهم بیاورد.

اکنون امید است که اگر عمری باشد این کار دراز به انجام برسد و حاصل آن مقدمه‌ای باشد برای هزاران کار ناکرده که درباره تاریخ هزار ساله زبان فارسی باید با کوشش دانشمندان اکنون و آینده انجام یابد.

فهرست لغات و اصطلاحات

۱۵۸	ossète	آسی (قوم)
۱۱۸	asiatique	آسیائیک (زبان)
۱۲۷	achéen	آکه‌ای (گروه زبان)
۱۱۷	altaï	آلتایی (خانواده زبان)
۲۴	momentanée	آنی
۲۶، ۲۹	sonore	آوایی
۶۲	ton	آهنگ
۱۸۷	vocatif	آئی (حالت)
۸۹	morphème	اجزاء صرفی
۱۸۹	indicatif	اخباری (وجه)
۱۲	hauteur	ارتفاع — «زیر و بی»
۱۸۷	ablatif	ازی (حالت)
۱۲۸	osque	اسکی (زبان)
۱۳۲	slave	اسلاوی (گروه زبان)
۱۳۲	vieux slave	اسلاوی باستان (زبان)
۱۳۲	slovaque	اسلواکی (زبان)
۱۸۲	substantif	اسم
۱۳۲	slovène	اسلوون (شعبه زبان)

۱۱۷	akkadien	اکدی (زبان)
۱۹۰	présent	اکنون (زمان)
۱۸۹	subjonctif	التزامی (وجه)
۹۷	tabou	اقاظ حرام
۶۰، ۳۸، ۱۳	durée	امتداد ← «کمیت»
۱۸۹	impératif	امری (وجه)
۱۸۷	locatif	اندزی (حالت)
۲۲، ۲۱	occlusive	انسدادی
۲۲	constrictive	انقباضی
۱۱۷	ouralien	اورالی (خانواده زبانها) ← فین و اوگریائی
۱۲۸	ombrien	اومبری (زبان)
۱۲۹	italien	ایتالیائی (گروه زبان)
۱۲۸، ۱۲۴	italique	ایتالیک (خانواده زبان)
۲۰۱	moyen iranien	ایرانی میانه
۱۲۷	éolien	اثولی (گروه گویش)
۱۹۰	voix	باب
۱۵۸	bactriens	باخترانیان (قوم)
۱۳۳	baltique	بالتی (گروه زبان)
۱۸۸	instrumental	بائی (حالت)
۱۸۸	datif	برایی (حالت)
۱۲۵		براهمی (خط) ← برهمایی
۱۳۱	breton	برتونی (زبان)
۲۳۷	brahmi	برهمایی (خط)
۱۳۴	bulgare	بلغاری (شعبه زبان)
۱۳۱	britannique	بریتانیایی (زبان)
۱۲	grave	بم
۴۶، ۲۹	sourde	بی آوا
۲۰۶	parsik	پارسیک
۲۰۶	moyen persan	پارسی میانه
۱۹۵	base (proposition de)	پایه (جمله)
۲۳۷	prakrite	پراکریت (زبان)

۲۷	voile du palais	پرده کام
۱۲۹	provençal	پرووانسی (گروه زبان)
۱۳۳	vieux prussien	پروسی باستان (شعبه زبان)
۳۱	postpalatal	پسکامی
۱۸۶	suffixe	پسوند
۲۰۶، ۱۸۱	pahlavanik	پهلوانیک
۲۰۳	pahlavi	پهلوی
۱۱	énoncé	پیام
۱۹۵، ۱۹۲	subordonnée (proposition)	پیرو (جمله)
۳۱	prépalatal	پیشکامی
۱۸۶	préfixe	پیشوند
۱۹۳	préverbe	پیشوند فعل
۱۰۸	agglutinante	پیوندی (زبانهای)
۲۴	cordes vocales	تار آواها
۱۱۴	l'histoire d'une langue	تاریخ زبان
۱۸۹	injonctif	تأکیدی (وجه)
۱۹۱	perfectif	تام (نمود)
۱۲۳	analytique	تحلیلی (زبان)
۸۰	évolution du système morphologique	تحولات صرفی
۸۰	évolution de la syntaxe	تحولات نحوی
۸۰	changements de mots	تحول الفاظ
۸۰	changements de significations	تحول معانی
۸۵، ۸۰	changements phonétiques	تحول واکها
۱۲۳	synthétique	ترکیبی (زبان)
۴۹	chuintante	نفسی
۴۸	vibrante	تکریری
۱۰۸	monosyllabique	تک هجایی (زبانهای)
۶۵	accent	تکبه
۶۳	accent de hauteur	تکبه ارتفاع
۳۸	accent d'insistance	تکبه تأکید
۶۳	accent d'intensité	تکبه شدت
۳۸	accent affectif	تکبه عاطفی
۶۲	accent du mot	تکبه کلمه

۶۳	accent musical	تکیه موسیقی
۳۸	accent syntactique	تکیه نحوی
۶۳	accent expiratoire	تکیه نفس
۱۸۹	optatif	تمنایی (وجه)
۱۸۷	désinence	جزء صرفی
۷۹	genre	جنس
۱۳۲	tchéque	چکی
۹۳	cas	حالت نحوی
۱۲۲	hittite	حیتی (زبان)
۱۲۵، ۱۲۴	hittite hiéroglyphique	حیتی هیروگلیفی (خط)
۱۶	lettre	حرف
۲۲	ventricule morgagni	حفره مورگانسی
۲۶	pharynx	حلق
۳۱	pharyngal	حلقی
۲۳	larynx	حنجره
۱۳، ۱۲	bruit	خشه
۱۲	parenté linguistique	خویشاوندی ← هم‌خانوادگی
۲۷، ۲۶، ۲۲	cavité nasale	خیشوم
۲۹	nasal	خیشومی
۱۱	signifiant	دال
۱۲۷	dorien	دری (گویش)
۱۱۳	la grammaire comparée	دستور تطبیقی زبان
۳۰	dentale	دندانی
۲۸	bilatérale	دوکناری
۳۱	bilabiale	دولبی

۲۹	buccal	دهانی
۱۸۹	3 ^e personne	دیگر کس
۱۸۸	accusatif	دایی (حالت)
۶۰	furtive (voyelle)	ربوده (مصوت)، مختلسه، مجهوله
۲۵۵	liquide	روان
۱۲۹	romans	رومیایی (زبانهای)
۱۳۲	runique	رونی (القبای)
۱۸۴	racine	ریشه
۱۱۰، ۱۰	la langue	زبان
۷۰، ۶	le langage visuel	زبان دیدنی
۶	la linguistique	زبان‌شناسی
۱۱۲، ۱۱۳	la linguistique historique	زبان‌شناسی تاریخی
۱۱۳	la linguistique comparative	زبان‌شناسی تطبیقی
۲۵	épiglotte	زبانک
۵	le langage parlé	زبان گفتار
۵	le langage articulé	زبان ملفوظ
۵	le langage écrit	زبان نگاشتنی
۴۰	les langues quantitatives	زبانهای کمی
۱۱۸	les langues isolantes	زبانهای منفرد
۱۲	temps	زمان
۴۴	continue	زمانی
۱۳، ۱۲	timbre	زنگ (صوت)
۱۲	aigu	زیر (صوت)
۱۳، ۱۲	hauteur musical	زیر و بمی ← ارتفاع
۱۳۲، ۱۳۱، ۱۱۳	germain	ژرمنی
۷۹	forme	ساخت (صیغه)
۱۰۸	structurale	ساختمانی (رده‌بندی) ← «نوعی»

۱۲	simple	ساده (صوت)
۱۲۹	sarde	ساردی (گروه زبان)
۱۱۷	chamito-sémitique	سام و حامی (خانواده زبانها)
۱۲۲	sémitique	سامی (گروه زبانهای)
۴۹	fricative	سایشی
۲۷	palais dur	سختکام
۱۱	parole	سخن
۱۳۲	serbe	سربی (شعبه زبان)
۱۳۰	celtique	سلتی (خانواده زبانهای)
۲۵	oesophage	سوراخ گلو
۱۳۲	cyrillique	سیریلی (خط)
۱۸۹	personne	شخص
۱۳-۱۲	intensité	شدت
۷۹	nombre	شمار ← «عدد»
۱۹۱	désinence	شناسه
۱۸۹	2 ^{ème} personne	شنونده
۳۲، ۲۱، ۲۰، ۱۸	consonne	صامت
۱۰۸	flexionnelle	صرفی (زبانهای)
۱۹۷	adjectif démonstratif	صفت اشاری
۴۹	sifflante	صغیری
۱۲	son	صوت
۱۲	son musical	صوت موسیقائی
۱۳	son du langage	صوت گفتار
۷	pictographie	صورت نگاری
۸۸		عدد ← «شمار»
۲۴، ۲۳	cricoïde	غضروف انگشتری
۲۴	thyroïde	غضروف سپروار یا دریچهوار

۲۵، ۲۴	aryténoïde	غضروف فنجانی
۱۹	nasal	غنه
۱۹۱	imperfectif	غیر تام
۱۹۱	flamand	فلامانی (زبان)
۱۱۷	finno-ougrienne	فین و اوگریائی ← «اورالی»
۹۶	les mots historiques	کلمات تاریخی
۳۷	quantitatif	کمی
۳۸		کمیت ← «امتداد»
۴۸	latéral	کناری
۱۸۷	nominatif	کنایی (حالت)
۱۳۱	cornique	کورنوالی (زبان)
۳۷	qualitatif	کیفی
۱۳۱	gallois	گالی (شعبه زبان)
۱۳۱	gaélique	گائلی (زبانهای)
۱۹۵	prédicat	گزاره
۲۶۳، ۱۹۰	actif	گذرا (باب)
۱۹۱	prétérit (passé)	گذشته (زمان)
۱۰	parole	گفتار
۱۳۱	gotique	گوتی (زبان)
۱۸۹	1 ^{re} personne	گوینده
۳۱	labiodentale	لب و دندانی
۵۰	labiovélaire	لب و ملازی
۳۱	labiale	لبی
۱۳۳	lette	لنی (زبان)
۳۰	gingival	لثوی
۱۲۷	lesbien	لسبی (گویش)
۱۳۴	polonais	لهستانی (زبان)

۱۳۳	lituanien	لیتوانی (زبان)
۵۶	semi-voyelle	لین (حرف عربی)
۱۸۵	thème	ماده ← مایه
۱۸۵	thématique	ماده ساز
۸۹	thème	مایه ← ماده
۱۹۴	complément du verbe	متمم فعل
۱۹۰	passif	مجهول (باب)
۶۰		مجهوله ← «ر بوده» و «مختله»
۶۰		مختله ← «ر بوده» و «مجهوله»
۱۱	signifié	مدلول
۱۳	distance d'ouïe	مسافت شنوائی
۲۰، ۱۸، ۱۶	voyelle	مصوت
۳۳، ۳۱		
۵۸، ۳۶	voyelle fermée	مصوت بسته
۱۸۲	voyelle longue	مصوت بلند (ممدود)
۳۵	voyelle postérieure	مصوت پسین
۳۵	voyelle antérieure	مصوت پیشین
۱۸۳، ۳۷	voyelle simple	مصوت ساده
۱۸۲	voyelle brève	مصوت کوتاه (مقصور)
۵۸، ۳۶	voyelle ouverte	مصوت گشاده
۱۸۳، ۴۱، ۴۰	diphthongue	مصوت مرکب
۱۷		مصوت مقصور ← «مصوت کوتاه»
۱۷		مصوت ممدود ← «مصوت بلند»
۳۵	voyelle médiale	مصوت میانین
۱۱	sens	معنی
۱۵، ۱۴	distinctif	مفارق
۲۷	uvula	ملازه
۳۱	vélaire	ملازی
۳۱	médiopalatal	میانکامی
۱۹۰	moyen	ناگذر (باب)
۱۸۵، ۱۸۲	nom	نام

۱۹۰	auriste	نامعین (زمان)
۲۷	palais mou	نرم کام
۱۱	signe	نشانه
۲۷	aspirée	نفسی
۱۹۰	aspect	نمود
۱۸۷	sujet	نهاد
۱۰۸	typologique	نوعی (رده بندی) ← «ساختمانی»
۲۹	semi-voyelle	نیم مصوت
۱۸۸، ۱۸۷	génitif	وابستگی (حالت)
۱۳۶	vocabulaire	واژگان
۲۸، ۲۰، ۱۸، ۱۷	phonème	واک
۱۸۹	mode	وجه
۲۳۸	hephtalite	هپتالی (هیاطله مورخان اسلامی)
۵۵	syllabe	هجاء
۱۲۰		همخانوادگی ← «خویشاوندی»
۱۳۲	yiddish	یدیش (زبان)
۲۸	unilatérale	یک کناری
۱۲۷	ionien-attique	یونی - آتنی «گویش»

www.KetabFarsi.com

منابع و مراجع

اصول و کلیات

- Bloomfield, L.: *Language*, New York, 1958.
- Breal, M.: *Essai de sémantique*, Paris, 1924.
- Darmesteter, A.: *La vie des mots*, Paris, 1948.
- Dauzat, A.: *La philosophie du langage*, Paris, 1948.
- Gleason, H. A.: *An Introduction to Descriptive Linguistics*, New York, 1965.
- Gray, L. H.: *Foundation of Language*, New York, 1958.
- Gregoire, A.: *La Linguistique*, Paris, 1948.
- Guiraud, P.: *La Grammaire*, Paris, 1967.
- Lyons, J.: *Introduction to Theoretical Linguistics*, Cambridge, 1968.
- Marouzeau, J.: *Lexique de la terminologie linguistique*, Paris, 1961.
- Martinet, A.: *Éléments de linguistique générale*, 4^e édition, Paris, 1964.
- _____.: (sous la direction): *Le langage*, Encyclopedie de la Pléiade, Paris, 1968.
- Meillet, A.: *Caractères généraux des langues germaniques*, Paris, 1941.
- _____.: *Introduction à l'étude comparative des langues indo-européens*, Paris, 1949.
- _____.: "La déclinaison et l'accent d'intensité en Perse," *J. A.*, mars-avril, 1900.
- _____.: *La méthode comparative en linguistique historique*, Oslo, 1928.
- _____.: *Les dialectes indo-européens*, Paris, 1950.
- _____.: *Linguistique historique et linguistique générale*, 2vols, Paris, 1938-1948.
- Meillet, A. et Cohen, M.: "Les langues du monde," CNRS, 1952.
- Mounin, G.: *Histoire de la linguistique des origines au XX^e siècle*, Paris, 1967.
- Pei, M.: *Histoire du langage*, Trad. Fr., Paris, 1954.
- Perrot, J.: *La linguistique*, Paris, 1959.
- Saussure, F. de: *Cours de linguistique générale*, Paris, 1946.
- Schone, M.: *Vie et mort des mots*, Paris, 1951.
- Sturtevant, E. H.: *An Introduction to Linguistic Science*, New York, 1960.
- Vendryes, J.: *Le langage*, Paris, 1968.
- Wartburg, W. V.: *Problèmes et méthodes de la linguistique*, Paris, 1940.

ابو منصور عبدالملک بن محمد ثعالبی، فقه‌الله و سرالمعرب، قاهره، ۱۲۵۷.
جلال‌الدین سیوطی، المزهر، قاهره.

زبان سومری

'Cramer, S. N.: *L'histoire commence á Sumer*, Paris, 1954.

زبان اوستائی

Darmesteter, J.: *The Zend-Avesta*, 2 vols., Oxford, 1895.
Duchesne-Guillemin, J.: *Zoroastre*, Paris, 1948.
Geldner, K.: *Avesta, the Sacred Books of Parsis*, Stuttgart, 1885.
Harlez, C. de: *Manuel de la langue de l'Avesta*, Paris, 1882.
Sokolov, S. N.: *The Avestan language*, Nauka, Moscow, 1967.
Taraporvala, I.I.S.: *The Divine Songs of Zarathushtra*, Bobmay, 1951.

زبان پارسی باستان

Gershevitch, I.: *Old Iranian Literature*, Iranistik (Handbuch der Orientalistik) E. J. Brill, 1968.
Guirshmann, R.: *Persia from the Origins to Alexander the Great*, 1968.
Hudson-Williams, T.: *A Short Grammar of Old Persian*, Cardiff, 1963.
Kent, R. G.: *Old Persian Grammar*, New Haven, 1953.
Meillet, A. et Benveniste, E.: *Grammaire du vieux Perse*, Paris, 1931.
Molé M.: *L'Iran ancien*, Paris, 1955.

زبان پهلوی

(پهلوانیک - پارسیک)

Barr, K.: *Bruchstücke einer Pahlavi-Übersetzung der Psalmen*, Berlin, 1933.
Blochet, E.: *Études de grammaire Pehlevi*, E. Guilmoto éditeur, Paris.
Boyce, M.: *Middle Persian Literature*, Iranistik, E. J. Brill, 1968.
———.: *The Manichean Hymn Cycles in Parthian*, London Oriental Series, Vol. 3, 1954.
———.: *The Manichean Literature in Middle Iranian*, Iranistik, E. J. Brill, 1968.
Ghilain, A.: *Essai sur la langue parthe*, Louvain, 1939.
Guirshmann, R.: *Iran, Parthians and Sassanians*, 1962.
Henning, W. B.: *The Pahlavi Inscriptions*, Tehran, 1950.

و ترجمه فارسی آن با عنوان «کتابهای پهلوی» خطاباً پروفیسور و. ب. هنینگ در انجمن ایرانشناسی، ترجمه دکتر محمد مبین، مجله یلما، سال ۳، شماره ۶، ۱۳۲۹ شمسی.

Hertzfeld, E.: *Paikuli, Monuments and Inscriptions of the Early History of the Sassanian Empire*, 2 vols., Berlin, 1924.
Müller, F. W.K.: *Ein Doppelblatt aus einen Manichäischen Hymenbuh*, (Mahrnamage), Berlin, 1913.
Salemann, C.: *A Middle Persian Grammar*, transl. by Bogdanov, Bombay, 1930.

- تاداویا، ج. : زبان و ادبیات پهلوی، ترجمه س. نجم آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- راستارگویوا، و. س. : دستور زبان فارسی میانه، ترجمه دکتر ولی الله شادان، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.

زبان سغدی

- Benveniste, E.: 2^e partie, morphologie, syntaxe et glossaire, Paul Geutner, Paris, 1923.
- _____.: Textes sogdiens, édités, traduits et commentés, Mission Pelliot, III, Paris, 1940.
- Bogolyubov, M. N.: Sogdijskie Dokumenty S. Gory Mug. III, Moskva, 1963.
- Gauthiot, R.: Essais de grammaire sogdienne, I^e partie, phonétique, Paul Geutner, Paris, 1923.
- Gershevitch, I.: A Grammar of Manichean Sogdian, Oxford, 1954.

زبان خوارزمی

- Benzing, J.: Das Chwaresmische Sprachmaterial einer Handschrift der "Muqaddimat al-Adab", von Zamaxšari, Wiesbaden, 1968.
- ترجمه مقدمه الادب بالخوارزمیه، للعلامة محمود بن عمر الزمخشری، چاپ استانبول، ۱۹۵۱.

زبان ختنی

- Bailey, H. W.: Khotanese Textes, 1-6, Cambridge, 1945-1968.
- Codices Khotanese, with an introduction by H. W. Bailey, Copenhagen, 1938.
- Konov, S.: Primer of Khotanese Saka, Oslo, 1949.

درباره خط

- Cohen, M.: Ecritures, Paris, 1953.
- Diringer, D.: The Alphabet. 2 vols., London, 1968.
- _____.: Writing, New York, 1962.

تاریخ زبانهای ایرانی و فارسی

- Bailey, H. W.: "The Persian Language", The Legacy of Persia, Oxford, 1963.
- Darmesteter, J.: Études iraniennes, 2 vols., Paris, 1883.
- اورانسکی، ای. ام. : زبانهای ایرانی، ترجمه کریم کشاورز (از روسی)، چاپ نشده.
- _____.: مقدمه فقه اللغة ایرانی، ترجمه کریم کشاورز (از روسی)، چاپ نشده.

زبانهای سامی

- Cohen, M.: Essai comparatif sur le vocabulaire et la phonétique du chamito-sémitique, Paris, 1947.
- _____.: Les résultats acquis de la grammaire chamito-sémitique, Paris, 1933.

Diakonoff, I. M.: *Semito-Hamitic Languages*, Nauka Publishing House, Moscow, 1965.

زبان آسی

ابوالقاسمی، محسن، دربارهٔ زبان آسی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۲۸.

گویشهای کنارهٔ خزر

کیا، صادق، واژه‌نامهٔ گرگانی، دانشگاه تهران (۱۳۳۵).
کیا، صادق، واژه‌نامهٔ طبری، ایران کوده، شماره ۹ تهران (۱۳۱۶ یزدگردی).

گویشهای حوزهٔ سمنان

ستوده، منوچهر، فرهنگ سمنانی، سرخه‌ای، لاسگردی، سنگری، شهیرزادی، دانشگاه تهران (۱۳۴۲).

گویشهای حوزهٔ اراک

کیا، صادق، گویش آشتیان، دانشگاه تهران (۱۳۳۵).
مقدم، م.، گویشهای وفس و آشتیان و قفوش، ایران کوده (۱۳۱۸ یزدگردی).

گویش یزدی

ستوده، منوچهر، فرهنگ کرمانی، فرهنگ ایران زمین، تهران (۱۳۳۵).
سروشیان، جمشید سروش، فرهنگ بهدینان (زردشتیان یزد و کرمان)، نشریهٔ فرهنگ ایران زمین، تهران (۱۳۳۵).

گویشهای تاتی جنوبی

Yar-Shater, E., *A Grammar of Southern Tati Dialects*. Mouton The Hague, Paris 1969.

گویشهای دیگر ایرانی نو

Le Langage, Encyclopedie de la Pléiade, Paris, 1968.

Les Langues du monde, S.L.P., Paris, 1968.

Lazard, G., "Caractères distinctifs de la langue tadjike," *BSLP*, tome 52, fasc. I., Paris, 1954.

Minorsky, V., "Les Tsignanes lulis et Lurs persans," *J. A.*, tome CCXVII, No. 2, Juin 1931.

اورانسکی، ای. ام: زبانهای ایرانی، مسکو ۱۹۶۳، ترجمه فارسی: کریم کشاورز، (چاپ نشده).

_____: مقدمة فقه اللغة ایرانی، مسکو ۱۹۶۰، ترجمه فارسی: کریم کشاورز، (چاپ نشده).

پژواک، عتیق‌الله، غوریان، انجمن تاریخ افغانستان، کابل (۱۳۴۵).

راست، نیکلا: مآخذ لهجه‌شناسی ایرانی، فرهنگ ایران زمین، ج ۱، شماره ۱، فروردین ۱۳۳۲.

واک‌شناسی و تحول واکها

Andreas, F.U., Henning, W.B., *Mitteliranische Manichäica aus Chinesisch-Turkestan*, t. III, Berlin, 1932-34.

Bartholomae, Ch., *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin, 1961.

Cantineau, J.: "Esquisse d'une phonologie de l'arabe classique," *BSL*, t. 43, fasc. 1, Paris, 1947.

Ferguson, Ch. A.: *Word Stress in Persian Language*, 1957.

Fleisch, H.: *Études de phonétique arabe*, Mel. de l'Université S. J. t. XXVIII, fasc. 8, Beyrouth, 1950.

Fouché, P.: *La phonétique historique du français*, Paris.

Gauthiot, R.: "De l'accent d'intensité iranien", *MSL*, t. XX, fasc 1, 1916.

_____ : "De la réduction de la finale nominale en iranien," *MSL*, t. XX, fasc. 2, 1916.

Grammont, T. M.: *Traité de phonétique*, Paris, 1946.

Hockett, C. F.: *A Manual of Phonology*, Baltimore, 1955.

Horne, P., *Grundriss der Neupersischen Etymologie*, Strassburg, 1893.

Kent, R. G., *Old Persian*, New Haven, 1950.

Kramsky, J.: *A Study in the Phonology of Modern Persian*, *Archiv Orientalni*, Vol. XI, No. 1, Praha, 1939.

Mackenzie, D.N., *A Concise Pahlavi Dictionary*, London, 1971.

Malmberg, B.: *La phonétique*, Paris, 1964.

Nyberg, H.S., *Hilfsbuch der Pehleui*, Uppsala, 1928-31.

Pike: *Phonetics*, Ann Arbor, 1943

Salemann, C., *A Middle-Persian Grammar*, trans. Bogdanov, Bombay, 1930.

Stetson, R. H.: *Bases of Phonology*, Ohio, 1945.

Troubetzkoy, N. S.: *Principes de phonologie*, trad. française par J. Cantineau, Paris, 1949.

Ward, I. C.: *The Phonetics of English*, London, 1944.

بهار، مهرداد، واژه‌نامه بندیش، تهران (۱۳۴۸).

تفضلی، احمد، واژه‌نامه مینوی خرد، تهران (۱۳۴۹).

کتابهای ذیل نیز مورد مراجعه و استفاده واقع شده است

ناتل خانلری، پرویز: تحقیق انتقادی در عروض فارسی و چگونگی تحول اوزان غزل، دانشگاه تهران، ۱۳۲۷.

_____ : وزن شعر فارسی، چاپ دوم، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.

- احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم، للمقدسي المعروف بالبشاري، لندن، ١٩٥٦ م.
- اساس الاقتباس، خواجه نصير الدين طوسي، تصحيح مدرس رضوي، تهران ١٣٢٦.
- تحقيق مالهند، ابوريحان بيروني، حيدرآباد دكن.
- التنبية على حدوث التصحيف، حمزة بن الحسن الاصفهاني، تصحيح الشيخ محمد حسن آل ياسين، بغداد، ١٩٦٧ م.
- دستور اللفظة، بديع الزمان نطنزي، نسخة خطي كتابخانه لغتنامه دهخدا.
- كتاب سيبويه، چاپ بولاق، ١٣١٦ هـ. ق.
- الشفاء، ابن سينا، چاپ سنگي تهران، ١٣٥٥ هـ. ق.
- صورة الارض، ابي القاسم بن حوقل النصيبي، چاپ مكتبة الحياة، بيروت، ١٩٥٩ م.
- الفهرست، ابن النديم، قاهره، ١٣٢٨ هـ. ق.
- مخارج الحروف يا اسباب حدوث الحروف، تصنيف شيخ الرئيس ابو علي سينا، تصحيح و ترجمة دكتور پرويز نائل خانلري، بنياد فرهنگ ايران، ١٣٢٨.
- الممالك و الممالك، تأليف ابي اسحق ابراهيم بن محمد الفارسي الاصطخري (المعروف بالكرخي)، چاپ مصر (تراثنا)، ١٩٦١ م.
- معجم البلدان، ياقوت حموي، چاپ بيروت، ١٩٥٥ م.
- المعجم في معايير اشعار العجم، تأليف شمس الدين محمد بن قيس الرازي، تصحيح محمد قزويني، يا مقابلة مدرس رضوي، دانشگاه تهران، ١٣٣٨.
- معيان الاشعار، خواجه نصير الدين طوسي، تهران.
- الموسيقى الكبير، ابونصر فارابي، تصحيح عطاس عبدالملك خشي و دكتور محمود احمد الحضي، قاهره، ١٩٦٧ م.
- ميزان الشعر في عروض العرب و العجم، كغام بن كيرقور سرغوصيان، چاپ قسطنطينيه، ١٣٥٨ هـ. ق.
- نهج الادب، حكيم نجم الفنى خان ملامحمد رامپوري، لکنهو، ١٩١٩ م.
- ويس و دامين، تصحيح مجتبي مینوی، تهران، ١٣٣٨.



www.KetabFarsi.com